

حدود مسئولیت مدنی سرپرست صغیر و آثار آن در حقوق ایران و اصول اروپایی مسئولیت مدنی

✉ mohammadamin.abdi@yahoo.com

محمدامین عبدی

قاضی دادگستری، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

مهرزاد ابدالی

دانشیار گروه حقوق، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

سیدامیر حسام موسوی

استادیار گروه حقوق، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

حبیب‌الله رمضان‌آکردی

استادیار گروه حقوق، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

چکیده: یکی از اصول مهم مسئولیت‌ها اعم از مسئولیت اخلاقی و حقوقی، شخصی بودن مسئولیت می‌باشد بدین معنی که هر کس باید در قبال اعمال و رفتار خویش پاسخگو باشد. در فقه اسلامی این اصل تحت عنوان قاعده وزر بیان می‌گردد. در حقوق مدنی نیز این اصل مورد توجه فقه اسلامی بوده است. لکن این اصل دارای استثنائاتی می‌باشد که تحت عنوان مسئولیت ناشی از فعل غیر تعبیر می‌شود. از جمله مهم‌ترین این استثنائات مسئولیت مواظب و نگهدار در قبال رفتار زیان‌بار صغیر می‌باشد. بدین شرح که قانون‌گذار در برخی از فروع سرپرست را مسئول جبران خسارات وارده از ناحیه صغیر به ثالث می‌داند. این موضوع در حقوق ایران در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی و در اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی در ماده ۱۰۱ از فصل ششم از بخش سوم بیان شده است. گستره شمول افراد در این دو نظام حقوقی تقریباً یکسان می‌باشد، لکن مبنای مسئولیت در حقوق ایران تقصیر و در اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی فرض تقصیر می‌باشد. با تحلیل و مقایسه صورت گرفته در مقاله حاضر پیشنهاد می‌گردد ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی اصلاح گردد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، اصول اروپایی مسئولیت مدنی، سرپرست، صغیر، والدین

استناد: عبدی، محمدامین؛ ابدالی، مهرزاد؛ حسام موسوی، سیدامیر و رمضان‌آکردی، حبیب‌الله. (۱۴۰۵). حدود مسئولیت مدنی سرپرست صغیر و آثار آن در حقوق ایران و اصول اروپایی مسئولیت مدنی. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۱ (۱۱۴)، ۱۴۹-۱۷۰.

<https://doi.org/10.22034/ilvi.2026.2075730.1507>

© نویسنندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

تشکیل جوامع بشری و وجود روابط اجتماعی در جوامع بشری سبب شده است تا حقوق برای رسیدن به بعضی از اهداف همانند جبران ضرر زیان دیده و حمایت از برخی افراد نیازمند حمایت، نسبت به وضع مقرراتی خاص اقدام نماید. در عصر حاضر پیشرفت تکنولوژی سبب بروز و ظهور نوع جدیدی از سبک زندگی شده و آن زندگی در فضای مجازی می‌باشد. در یک دهه گذشته میزان حضور افراد در فضای مجازی به قدری افزایش یافته است که عملاً افراد و خصوصاً کودکان بخش عمده وقت خود را در آن صرف می‌نمایند، لذا میزان نظارت والدین نسبت به کودکان بسیار کاهش یافته و در نتیجه احتمال ورود زیان از ناحیه کودکان به دیگران افزایش پیدا کرده است. از همین رو مجموعه دلایل فوق ایجاب می‌نماید که قانون‌گذاران در زمان تصویب قوانین و قضاوت در زمان صدور رأی، توجه خاصی به خسارت ناشی از رفتار این افراد داشته باشند. اصطلاح مسئولیت ناشی از فعل غیر یا مسئولیت نیابتی (Vicarious Liability) در حقوق انگلیس بیشتر در رابطه با مسئولیت کارفرما در قبال افعال کارگران مطرح شده است و عمدتاً صغار نسبت به افعال زیان‌بارشان که عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به دیگری وارد شده، شخصاً مسئول می‌باشند (هاگسان و لوتیس وایت، ۲۰۰۴: ۲). اما از آنجایی که جبران خسارت از صغار به لحاظ عدم تمکن مالی آن‌ها مشکل می‌باشد در چنین شرایطی پدر و مادر آن صغیر در کنار او مسئول اعمال وی و جبران خسارات وارده توسط او شناخته می‌شوند (سن گیج، ۲۰۰۳: ۱). بررسی پرونده‌های حقوقی در کشور انگلستان نیز مبین این امر است که در رویه قضایی تمایل به توسعه مفهوم مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر دارد و این امر بسته به مورد و مصداق می‌بایست در دادگاه بررسی و احراز گردد (گیلکر، ۲۰۱۶: ۱۵۶). بررسی پرونده‌های مطروحه در کشور فرانسه نیز مبین توسعه مفهوم مسئولیت مدنی والدین در قبال فعال زیان‌بار صغار می‌باشد. به عنوان مثال رأی ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴ دیوان عالی کشور فرانسه نیز به نوعی مؤید عدم امکان مراجعه والدین به صغیر می‌باشد (میمون، ۲۰۲۴: ۳-۱). در حقوق موضوعه ایران در مواد پراکنده از جمله ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی به بیان مقررات حاکم بر مسئولیت ناشی از فعل زیان‌بار صغیر پرداخته شده است. در اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی نیز این موضوع در فصل ششم از بخش سوم در قالب دو ماده بیان شده است. حقوق ما نباید از مباحث روز دنیای حقوق و نوآوری‌های اسنادی همچون اصول اروپایی مسئولیت مدنی غافل بماند؛ به عبارتی با بررسی دقیق ابعاد مختلف و با اطمینان از عدم مغایرت نهادهای حقوقی مورد نظر با ساختارهای فقهی و حقوقی کشورمان می‌توان از برخی مفاهیم اسناد بین‌المللی به عنوان منابع الهام‌بخش جهت تصویب قوانین جدید و مورد نیاز بهره برد. در مقاله حاضر حدود مسئولیت مدنی سرپرست صغیر و آثار آن در حقوق ایران و اصول اروپایی مسئولیت

مدنی مورد بررسی و تدقیق قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم مسئولیت

مسئولیت در لغت به معنای موظف بودن به انجام دادن امری است (معین، ۱۳۹۱: ۳۹۱۴)، دکتر لنگرودی در ترمینولوژی حقوق مسئولیت را عبارت از تکلیف قانونی شخص به جبران ضرری که به دیگری وارد نموده است می‌داند. اما در اصطلاح خاص‌تر مسئولیت به معنای مؤاخذه از نقض یک وظیفه است. بنابراین مسئولیت فرع بر وجود وظیفه و تعهد قبلی می‌باشد (یزدانیان، ۱۳۹۰: ۲۲۰). در اروپا از اواخر قرن سیزدهم میلادی زمانی که حقوق قسمتی از مذهب به حساب می‌آمد، اصطلاح Responsible به مفهوم شخصی که در مقابل خداوند پاسخگوی اعمالش است، رواج و شیوع یافت؛ بعد از مدتی در جریان جدایی اخلاق از مذهب وارد اخلاق عرفی شد و به جوابگو بودن شخص در مقابل وجدانش تعبیر گردید؛ و در نهایت به معنای کسی که در پیشگاه دادگاه نسبت به نتایج اعمال رفتار و تقصیر خود پاسخگو است به علم حقوق و قانون راه پیدا کرد (بادینی، ۱۳۸۴: ۲۵). در حقوق کامن‌لا وقتی که به طور مطلق بخواهند از مسئولیت اعم از اخلاقی و حقوقی بحث کنند معمولاً کلمه Responsibility را استفاده می‌کنند اما زمانی که از مسئولیت‌های حقوقی به طور عام یا یکی از اقسام مسئولیت‌های حقوقی صحبت شود بیشتر واژه liability به کار می‌رود (بادینی، ۱۳۸۴: ۲۶). در قانون مدنی فرانسه ماده ۱۲۴۰ الی ۱۲۴۴ به بیان مفاهیم مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه می‌پردازد، البته مطابق نظر برخی حقوق‌دانان اروپایی مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه یکی از انعطاف‌پذیرترین و پیچیده‌ترین نظام‌های حقوقی در جهان است، اگرچه تنها بر اساس پنج ماده از قانون مدنی بنا شده است. این انعطاف‌پذیری در حقوق فرانسه ناشی از توسعه رویه قضایی است و نه قانون‌گذاری (بورگتی و ویتاکر، ۲۰۲۰: ۵۹۳). در اصول اروپایی مسئولیت مدنی در ماده ۱۰۱ از فصل نخست از بخش نخست شخص مسئول تعریف شده است. مطابق این ماده شخص زمانی مسئول جبران خسارت قلمداد می‌گردد که خسارت وارد به دیگری مطابق با قانون به او نسبت داده شود. انتساب خسارت به شخص نیز از سه طریق احراز می‌گردد. ۱. رفتار توأم با تقصیر شخص سبب ورود خسارت شده باشد. ۲. فعالیت خطرناک غیر متعارف شخص سبب ورود خسارت شده باشد. ۳. معاونت شخص البته تنها در محدوده وظیفه قانونی سبب ورود خسارت شده باشد. بنابراین پر واضح است که قاعده مبنایی مسئولیت از منظر اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر احراز عناصر سه‌گانه فوق می‌باشد.

۲. مفهوم سرپرست

معنای لغوی و حقوقی سرپرست با یکدیگر یکسان می‌باشد. سرپرست از نظر لغوی به معنای مواظب و مراقب می‌باشد اعم از آنکه مواظبت و نگهداری مربوط به شخص، شیء یا مؤسسه باشد. در

اصطلاح حقوقی سرپرست به شخصی گفته می‌شود که مواظبت و نگهداری و اداره امور افرادی را که به لحاظ سن، جنون یا سفاهت نیاز به سرپرست دارند، به عهده دارد. دکتر جعفری لنگرودی، سرپرست را منحصر به قیم دانسته و سرپرستی را به جای قیمومیت به کار برده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۳۵۵). در حالی که سرپرست معنای وسیع‌تری از قیم دارد. اگر مبنای تکلیف به مواظبت و نگهداری از صغیر و مجنون، قانون باشد به آن سرپرستی قانونی می‌گویند و چنانچه مبنای تکلیف به مواظبت و نگهداری از صغیر و مجنون قرارداد باشد به آن سرپرستی قراردادی می‌گویند. به همین دلیل و با توجه اینکه سرپرستی می‌تواند دارای دو مبنای قانونی و قراردادی باشد قانون‌گذار در قسمت نخست ماده ۷ ق.م.ه.ر دو جنبه را مد نظر داشته و مسئولیت را بر عهده کسی که نگهداری و مواظبت مجنون یا صغیر، قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او باشد قرار داده است. در اصول اروپایی مسئولیت مدنی در ماده ۱۰۱ از فصل ششم از بخش سوم از عبارت (شخصی که وظیفه نگهداری از صغیر یا مجنون را دارد) استفاده شده است. این عبارت کلی بوده و کلیه اشخاص مسئول در حقوق ایران را می‌توان در قلمرو این عبارت مشمول دانست. به عبارتی اصول اروپایی مسئولیت مدنی به منظور حمایت از حقوق زیان‌دیده دایره شمول مسئولیت اشخاص در قبال رفتار زیان‌بار صغار را گسترش داده تا از این طریق نظارت بیشتری بر رفتار صغار وجود داشته باشد و افراد خود را بری از مسئولیت رفتار زیان‌بار صغار ندانند. البته اصطلاح مسئول می‌تواند والدین یا هر مؤسسه مربوط را در بر بگیرد. لازم به ذکر است اصطلاح مسئول در اصول اروپایی مسئولیت مدنی در مورد کودکی که تنها برای مدت زمانی کوتاه تحت مراقبت است به کار نمی‌رود. در حقوق بیشتر کشورهای اروپایی تمایل بر این است که اشخاصی را که برای مدتی کوتاه مسئول نگهداری از کودکان هستند بر پایه بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی مسئول قلمداد کنند. البته لازم به ذکر است در حقوق کامن‌لا وظیفه کنترل دیگری که توسط قانون به منظور جلوگیری از ایراد خسارت توسط شخص در نظر گرفته شده کاملاً استثنایی است و قاعده کلی این است که هیچ فردی مگر از طریق قانون موظف به کنترل دیگری در جهت جلوگیری از ورود خسارت توسط وی به اشخاص ثالث نمی‌باشد (دیکن و دیگران، ۲۰۱۹: ۵۹۳-۵۹۴).

۲-۱. سرپرست قانونی

سرپرست قانونی به اشخاصی که بنا به تکلیف قانون مسئول نگهداری یا مواظبت از صغیر یا مجنون می‌باشند اعم از اینکه اشخاص حقیقی باشند یا اشخاص حقوقی گفته می‌شود. نگاهداری قانونی صغار در حقوق ایران تحت عنوان حضانت مطرح می‌شود. حضانت به فتح و کسر ح در لغت به معنای نگاهداری است، در واقع حضانت، نگاهداری از طفل مواظبت و مراقبت او و تنظیم روابط وی با خارج است. بنابراین حضانت بیشتر ناظر به حمایت جسمی از محجور است؛ هر چند که حمایت روحی و

اخلاقی نیز در این نهاد حقوقی هم در حقوق اسلام و هم در حقوق جدید ایران مدنظر بوده است (صفایی، ۱۳۹۲: ۳۸۰-۳۸۱). در حقوق کامن‌لا اگر چه در بسیاری از منابع و متون حقوقی تنها از مسئولیت پدر و مادر نسبت به اعمال طفل یاد شده است، اما در عمل تمام کسانی که در جایگاه والدین قرار می‌گیرند و عهده‌دار وظایف این افراد می‌شوند در صورت بروز رفتار زیان‌بار از سوی صغیر مسئولیت پیدا می‌کنند؛ افرادی از قبیل پدر بزرگ و قیم تعیین شده برای طفل و همه کسانی که به طریقی عهده‌دار سرپرستی از دیگری می‌باشند و بر وی کنترل دارند (سن گیج، ۲۰۰۳: ۴). در حقوق ایران متون قانونی مختلفی برای ایجاد وظیفه مراقبت برای اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی می‌توان یافت که در ذیل ضمن اشاره تعدادی از آنها را با اصول اروپایی مسئولیت مدنی مقایسه می‌کنیم.

۲-۱-۱. پدر و مادر

پدر و مادر از نخستین کسانی هستند که وظیفه مراقبت از فرزندان خود را بر عهده دارند. پدر و مادر قانونی همان پدر و مادری هستند که کودک را بر اساس رابطه زوجیت صحیح به وجود آورده‌اند و تمام احکام مذکور در فقه و قانون در مورد آنها قابل اجراست، از جمله ماده ۱۱۶۸ قانونی مدنی. در واقع آنها به موجب قانون از طرفی حق دارند از فرزندشان مراقبت کنند و از طرف دیگر مکلف به این کار می‌باشند. همچنین اهتمام به تربیت فرزندان در حدود توانایی از تکالیف آنهاست. ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی و به خاطر وجود این تکالیف در مقابل دیگران مسئول اعمال طفل قرار می‌گیرند (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۳۱-۱۱۰). پدر و مادر طبیعی یا به تعبیری عرفی کسانی هستند که صرفاً دارای رابطه خونی با فرزندشان می‌باشند به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳/۴/۱۳۷۶ به دلیل صدور دو رأی معارض از شعب ۲۲ و ۳۰ دیوان عالی کشور صادر شده است موضوع دادنامه‌های صادر شده اخذ شناسنامه برای فرزند متولد از زنا می‌باشد. در واقع این رأی عدم الحاق فرزند طبیعی را منحصر به مورد ارث دانسته و کلیه تکالیف پدر و مادر درباره فرزند نامشروع را همانند فرزند مشروع قرار داده است (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۰۱). در حقوق انگلیس نیز والدین طفل اعم از اینکه ازدواج کرده باشند یا صرفاً هم‌زیست با یکدیگر باشند (استدلی، ۲۰۰۱: ۴) پدر و مادر به موجب تکلیف به مراقبتی که از سوی قانون بر عهده آنها قرار داده شده موظف به نگهداری از کودک خود می‌باشند و در صورت کوتاهی در مراقبت ملزم به جبران خسارات وارده توسط فرزندشان به دیگران می‌باشند (هارپ وود، ۲۰۰۳: ۲۷). به عبارتی مسئول شناختن والدین به خاطر حمایت از زیان‌دیده در جهت جبران هر چه بیشتر خسارات وی می‌باشد. این مسئولیت بیشتر یک مسئولیت ناشی از فعل دیگری قلمداد می‌شود گر چه پدر و مادر نیز در این راستا مرتکب نقص تکلیف مراقبتی شده باشند (مک کوردی، ۲۰۱۰: ۱۰۵). رأی ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴ دیوان عالی کشور فرانسه نیز به نوعی مؤید عدم امکان مراجعه والدین به

صغیر می‌باشد. در این پرونده یک نوجوان در سال ۲۰۱۷ اقدام به آتش‌سوزی جنگل‌های منطقه اوبان نموده بود در این پرونده دادگاه بدوی نوجوان را مجرم شناخته و والدین را مسئول جبران خسارت‌های مالی وارد شده دانسته بود دادگاه تجدیدنظر رأی بدوی را نقض و صرفاً مادر را مسئول جبران خسارات مالی دانست، چون نوجوان تنها با مادر زندگی می‌کرد اما دیوان عالی کشور در تصمیم ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴ اعلام کرد هر دو والدین به طور مشترک مسئولیت والدینی را بر عهده دارند. حتی اگر فرزندشان تنها با یکی از آن‌ها زندگی کند مسئولیت مشترک دارند و نمی‌توانند از مسئولیت خود شانه خالی کنند، لذا رویه قضایی فرانسه نیز به سمتی حرکت می‌کند که پدر و مادر صغیر را حتی در صورت عدم زندگی مشترک مسئول قلمداد نماید (میمون، ۲۰۲۴: ۱-۳). در اصول اروپایی مسئولیت مدنی در ماده ۱۰۱ از فصل ششم از بخش سوم از عبارت «شخصی که وظیفه نگهداری از صغیر یا مجنون را دارد» استفاده شده است. این عبارت مضمول پدر و مادر نیز می‌گردد.

۲-۱-۲. جد پدری

در حقوق ایران مسئولیت موضوع ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی به پدر و مادر اختصاص ندارد و متوجه هر فردی است که وظیفه نگهداری و مراقبت از صغیر را بر عهده دارد، لذا در مواقعی که صغیر با جد پدر زندگی می‌کند مسئولیت مدنی ناشی از رفتار زیان‌بار صغیر با لحاظ شرایط موضوع ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی متوجه جد پدری نیز می‌گردد. از طرفی ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و همچنین است طفل غیررشدید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون وی متصل به صغر باشد». بر اساس این ماده، ولایت به عهده پدر و جد پدری گذاشته شده است و طبق ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی آن‌ها نماینده قانونی مولی علیه در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی وی می‌باشند. گرچه ولایت با حضانت متفاوت است و برخلاف حضانت که عمدتاً مربوط به نگهداری و مراقبت است. ولایت ناظر به اداره امور مالی است (کاتوزیان، ۲/۱۳۷۵: ۲۰۴). اما از آنجایی که معمولاً ولایت با حضانت همراه است و با استنباط از مواد ۱۱۸۸ و ۱۳۳۵ قانون مدنی و مواد ۲ به بعد قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ به نظر می‌رسد وظیفه ولی قهری تنها به امور مالی خلاصه نمی‌شود و امور شخصی یا به تعبیری مواظبت و نگهداری از شخص مولی علیه را نیز در بر می‌گیرد (کاتوزیان، ۲/۱۳۷۵: ۱۲۶). در اصول اروپایی مسئولیت مدنی در ماده ۱۰۱ از فصل ششم از بخش سوم از عبارت «شخصی که وظیفه نگهداری از صغیر یا مجنون را دارد» استفاده شده است. این عبارت کلی بوده و مضمول جد پدری نیز می‌گردد. به عبارتی اصول اروپایی مسئولیت مدنی به منظور حمایت از حقوق زیان‌دیده دایره شمول مسئولیت اشخاص در قبال افعال زیان‌بار صغار را گسترش داده است. مطابق ماده

۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ممکن است مفهوم زندگی خانوادگی مشمول پدربزرگ و مادر بزرگ نیز می‌شود مشروط بر اینکه روابط خانوادگی به اندازه کافی نزدیک بین آن‌ها وجود داشته باشد (سن برک، ۲۰۲۱: ۱). ماده ۱۲۴۲ قانون مدنی فرانسه نیز مسئولیت مدنی افراد در قبال رفتار زیان‌بار صغیر را مختص پدر و مادر بیان نمی‌کند بلکه مشمول افرادی که وظیفه نظارت و نگهداری از صغیر را دارند نیز می‌شود و لذا در حقوق فرانسه و بیشتر کشورهای اروپایی جد پدری در صورت وجود شرایط ممکن است مسئول جبران زیان‌های وارده به اشخاص ثالث توسط صغیر گردد.

۲-۱-۳. قییم

مطابق با ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی مواظبت شخص مولی‌علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوق مالی او با قییم است. در واقع قییم نسبت به شخص مولی‌علیه دارای همان اختیاری است که قانون برای اعمال‌کننده ولایت قهری شناخته است که مهم‌ترین آن‌ها حق حضانت می‌باشد (صفایی، ۱۳۷۵: ۲۱۷). همانطور که قبلاً بیان گردید در اصول اروپایی مسئولیت مدنی در ماده ۱۰۱ از فصل ششم از بخش سوم از عبارت «شخصی که وظیفه نگهداری از صغیر یا مجنون را دارد» استفاده شده است. این عبارت کلی بوده و مشمول قییم نیز می‌گردد. در حقوق کشورهای اروپایی همانند فرانسه، انگلستان و آلمان نیز به مانند اصول اروپایی مسئولیت مدنی مسئولیت رفتار زیان‌بار صغیر اختصاص به پدر و مادر ندارد و مشمول قییم نیز در صورت وجود شرایط می‌گردد. در ماده ۱۲۴۲ قانون مدنی فرانسه نیز قاعده کلی مسئولیت ناشی از فعل غیر بیان شده قانون‌گذار فرانسه در این ماده مقرر داشته هر کس نه تنها مسئول خسارتی است که به واسطه عمل خود به دیگری وارد می‌کند، بلکه مسئول خسارتی است که از عمل اشخاص تحت مسئولیت وی یا اشیای در اختیار وی به دیگری وارد شود. لهذا در حقوق فرانسه قییم نیز همانند والدین به لحاظ وظیفه مراقبتی که بر عهده دارد تحت شرایطی در قبال خسارات صغیر مسئول می‌باشد. لازم به ذکر است که در حقوق فرانسه Tutelle به معنای قیمومیت در خصوص افراد فاقد اهلیت استیفا استفاده می‌گردد. این موضوع در حالی است که Curatelle با ترجمه لغوی سرپرست در خصوص افرادی استفاده می‌شود که فاقد اهلیت استیفا به صورت کلی نیستند و صرفاً در برخی امور برای آن‌ها سرپرست تعیین می‌گردد مواد ۴۴۰ الی ۴۷۶ قانون مدنی فرانسه به تبیین این مفاهیم می‌پردازد (مالوری و دیگران، ۲۰۲۴: ۴۱۱-۴۱۲).

۲-۲. سرپرست قراردادی

منشأ این نوع سرپرستی قانون نمی‌باشد، بلکه قراردادی است که میان ولی صغیر با شخص دیگری انعقاد می‌گردد. موضوع چنین قراردادی ممکن است مستقیماً مراقبت و نگهداری از صغیر باشد مانند قراردادهایی که با کودکان و مهدکودک‌ها برای نگهداری اطفال صغیر منعقد می‌شود. در برخی

موارد با وجود اینکه موضوع اصلی توافق نگهداری و مراقبت نمی‌باشد و هدف از انعقاد توافق موضوع دیگری همانند تعلیم و تربیت یا آموزش حرفه خاصی به صغیر می‌باشد، مانند اینکه صغیر را برای فرا گرفتن زبان خارجی به مؤسسه آموزش زبان خارجه بسپارند در موارد تشریح شده با وجود اینکه مراقبت از طفل جنبه فرعی دارد، چنانچه سرپرست اعم از نگاهدارنده یا معلم در نگهداری و مواظبت از صغیر کوتاهی کند مسئول خساراتی خواهد بود که در اثر این کوتاهی به اشخاص ثالث وارد می‌شود. ممکن است در اثر بی‌توجهی سرپرست قراردادی در امر نگهداری و مراقبت خسارتی به اموال یا شخص صغیر یا مجنون وارد شود. در چنین فرضی سرپرست قراردادی به لحاظ نقض قرارداد نه به حکم قانون مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد؛ یعنی در حقیقت، مسئولیت وی قراردادی بوده و نیازی به اثبات تقصیر وی نیست بلکه برای معافیت از پرداخت خسارت برابر ماده ۲۲۷ ق.م. بایستی وجود یک حادثه خارجی را که خارج از حیطه اختیارات خود است اثبات نماید، اما اگر در نتیجه رفتار زیان‌بار صغیر خسارتی به اشخاص ثالث وارد کند، مسئولیت سرپرست صغیر را نمی‌توان مسئولیت قراردادی دانست زیرا بین شخص زیان‌دیده و سرپرست قراردادی وجود ندارد تا بر مبنای آن قرارداد سرپرست را مسئول دانست، به همین دلیل ماده ۷ ق.م. ب. وجود عنصر تقصیر را در موارد این چنینی شرط مسئولیت سرپرست می‌داند (حسین‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۵). در واقع علاوه بر اینکه والدین در راستای انجام تکالیف مربوط به حضانت خود در صورت ارتکاب تقصیر، مسئول اعمال زیان‌بار صغار می‌باشند آن‌ها ناچار هستند برای تعلیم و تربیت صحیح فرزند خویش وی را به مدرسه، مربی و گاه استادکار بسپارند. در قراردادی که بین والدین و این اشخاص منعقد می‌شود، سرپرستان قراردادی نیز تحت شرایطی مسئول اعمال زیان‌بار صغیر می‌باشند. بنابراین منشأ این نوع سرپرستی مستقیماً حکم قانون نیست، بلکه قراردادی است که بین اولیای محجور با شخص دیگری منعقد می‌شود. این قرارداد ممکن است کتبی باشد یا شفاهی کوتاه‌مدت باشد یا دراز مدت در تمامی نظام‌های حقوقی این یک قاعده است که سرپرست قراردادی می‌بایست هر گونه اقدام مورد نیاز به منظور جلوگیری از ورود آسیب به دیگران ناشی از رفتار صغیر تحت سرپرستی خود به عمل آورند (دام، ۲۰۱۳: ۴۹۷).

۳. مفهوم صغیر

واژه صغیر در فرهنگ فارسی به معنای خرد کوچک و خردسال می‌باشد (عمید، ۲۰۳۴: ۱۳۷۹). قبل از اصلاحات قانون مدنی صغیر به کسی گفته می‌شد که به سن هجده سال تمام شمسی نرسیده بود؛ لکن با حذف ماده ۱۲۰۹ ق.م. ب. و اصلاح ماده ۱۲۱۰ امروزه مفهوم صغیر در فقه و حقوق مدنی یکسان است و هر کس که به سن بلوغ نرسیده باشد، صغیر به شمار می‌آید. در حقوق امروز ممکن است کسی با رسیدن به سن بلوغ دوره صغر را سپری کرده باشد و دیگر صغیر به شمار نیاید ولی رشد

و توانایی روحی برای اداره امور خود را نداشته باشد (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۲۲۷). صغیر ممیز به فردی گفته می‌شود که دارای قوه درک و تمیز نسبی است و با اینکه به سن بلوغ نرسیده زشت را از زیبا و سود را از زیان تشخیص می‌دهد و می‌تواند اراده حقوقی داشته باشد. صغیر غیر ممیز شخصی است که قوه تشخیص سود و زیان و آثار و احکام ناشی از اعمال خویش را ندارد (امامی، ۱۳۹۱/۵: ۲۹۴). ق. م. ایران از صغیر غیر ممیز تعریفی نکرده و برای تشخیص و تمیز ممیز از غیر ممیز سن خاصی را نیز در نظر نگرفته است و لذا در صورت وجود اختلاف پیرامون ممیز یا غیر ممیز بودن صغیر، تشخیص این موضوع با قاضی پرونده می‌باشد که باید با توجه به اوضاع و احوال و خصوصیات فرد و دلایل و امارات موجود در این باره اتخاذ تصمیم نماید (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۲۲۸). اختلاف در تفسیر ماده ۱۲۱۰ ق. م. و مشکلات ناشی از آن باعث صدور رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳ گردید از این رأی می‌توان چنین استنباط نمود که اولاً بر اساس نظر هیأت عمومی ماده ۱۲۱۰ ق. م. که رسیدن به سن بلوغ را نشانه رشد و موجب رفع حجر می‌داند، ناظر به کلیه امور صغیر جز امور مالی می‌باشد. ثانیاً رفع حجر از صغیر در امور مالی پس از حصول دو شرط بلوغ و رشد حاصل می‌گردد. لذا قبل از ۱۸ سالگی رفع حجر از صغیر در امور مالی مستلزم اثبات رشد در محاکم قضایی می‌باشد و با رسیدن فرد به ۱۸ سالگی به عنوان اماره رشد نیازی به اثبات رشد در محاکم نمی‌باشد. اصول اروپایی مسئولیت مدنی تعریفی از صغیر ارائه نکرده است و برای شناسایی مفهوم صغیر باید به قوانین ملی کشور در حال بررسی پرداخت. مزیت عدم تعیین محدوده خاص برای سن مسئولیت در واقع پیش‌بینی یک نظام انعطاف‌پذیر است که بر پایه آن دادرسی می‌تواند هنجارهای رفتاری را با توجه به توانایی کنترل رفتار و ویژگی‌های ادراکی فرد نسبت به نحوه رفتارش تعریف کند (صفایی و آیین، ۱۴۰۱: ۴۵-۴۶). به عنوان مثال در کرواسی همه افرادی که زیر سن قانونی تا سن هفت (۷) سالگی قرار دارند والدین بدون در نظر گرفتن تقصیر مسئول پرداخت خسارات ناشی از رفتار آنان می‌باشند (طاهری، ۲۰۱۶: ۲۲۰). اگر در حقوق اروپایی صغیر را دارای مفهومی نزدیک به کودک بدانیم، ماده اول کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: کودک به هر انسانی که زیر هجده سال تمام باشد گفته می‌شود؛ مگر این که مطابق قانون حاکم بر آن شخص سن کمتری برای رشد او مقرر شده باشد. به لطف این کنوانسیون، تعریف حقوقی مفهوم کودک بسیار آسان شده است و کودک هر انسانی که زیر هجده سال تمام باشد؛ مگر اینکه قانون کشورش، سن کمتری برای رشد او مقرر کرده باشد، تعریف می‌شود (کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک سازمان ملل متحد ماده ۱). در حقوق فرانسه صغیر کسی است که هنوز به سن هجده سال تمام نرسیده است (ماده ۳۸۸ قانون مدنی). این تعریف از نظر زمانی حد دقیق صغیر را مشخص می‌کند که موجب ناتوانی کلی در اعمال حق می‌شود: صغیر

نمی‌تواند به تنهایی اعمال مدنی را که نیازمند قدرت کامل تشخیص و اراده است انجام دهد. او تابع اختیار والدینی (ماده ۳۷۱-۱) است یا، در صورت نبود آن، تحت قیمومیت قرار می‌گیرد. مفهوم صغر با هدف حفاظت از کودک که فرضاً نا بالغ است طراحی شده است (فرانسوا و دیگران، ۲۰۲۴: ۴۵-۶۷). ضمناً در فرانسه تا زمانی که طفل به سن رشد قانونی یعنی ۱۸ سال تمام نرسیده است زبان دیدگان از اعمال چنین اشخاصی برای جبران خسارت وارده می‌توانند علیه کسانی که مسئولیت مراقبت از چنین افرادی را بر عهده دارند اقامه دعوا نمایند (لوراسا، ۱۳۷۵: ۶۶). یا در حقوق انگلیس به موجب بند ۱ ماده ۱ قانون اصلاح حقوق خانواده مصوب ۱۹۶۹ سن بلوغ ۱۸ سال می‌باشد (بارکر و پدفیلد، ۱۳۷۹: ۸۶). در آمریکا نیز پدر و مادر و سایر سرپرستان قانونی تا زمانی که کودک به سن ۱۸ سال برسد (پیرلمن، ۲۰۰۷: ۱). موظف به اعمال مراقبت‌های متعارف نظارت حمایت و کنترل بر چنین کودکی می‌باشند (گراهام، ۲۰۰۰: ۱۷۳).

۴. اصول اروپایی مسئولیت مدنی

در سطح بین‌المللی هیچ قانون یا کنوانسیون منسجم و واحدی راجع به مسئولیت مدنی وجود ندارد. از سال ۱۹۹۲ گروهی از پژوهشگران در حوزه حقوق مسئولیت مدنی به منظور بحث در مورد مسائل اساسی مسئولیت مدنی و همچنین تحولات اخیر و جهت‌گیری‌های آینده قانون مسئولیت جلساتی با یکدیگر برگزار کردند تا اینکه تصمیم به تنظیم اصول حقوق مسئولیت مدنی گرفتند. این گروه اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا PETL را در کنفرانس عمومی ۱۹ و ۲۰ می سال ۲۰۰۵ در وین ارائه داد. هدف این اصول ارتقاء و همانندسازی حقوق مسئولیت مدنی اروپا است. این اصول می‌تواند به عنوان یک نوع چارچوب برای توسعه آینده حقوق مسئولیت مدنی اروپا به کار گرفته شود. اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا و شرح مواد آن در سال ۲۰۰۵ انتشار یافت. چهار سال بعد گروه مجدداً در سال ۲۰۰۹ برای توسعه قلمرو PETL و به‌روزرسانی و تصحیح مندرجات آن پس از تبادل نظرات بعدی پژوهشگران و پیشرفت‌های ملی جلساتی برگزار کردند. اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا حاوی ۳۶ ماده است. این ۳۶ ماده در قالب ۶ عنوان و در ۱۰ فصل نگارش شده است (شعاریان و ترابی، ۱۳۹۳: ۵۹-۶۰). کشورهای مختلف اروپایی نیز در حال نزدیک‌سازی قوانین خود به اصول اروپایی مسئولیت مدنی می‌باشند. به عنوان مثال شباهت‌های ساختاری بین اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا PETL و تدوین قواعد مسئولیت مدنی در قانون مدنی ایتالیا وجود دارد (گویدو و آلیا، ۲۰۱۸: ۶۳).

۵. ارکان مسئولیت مدنی

برای ایجاد مسئولیت مدنی مانند سایر مسئولیت‌ها وجود و احراز ارکان یا شرایط اساسی آن

مسئولیت لازم و ضروری است. مسئولیت مدنی با وجود چهار رکن زیر به وجود می‌آید: ۱. وجود یک تعهد و تکلیف ۲. نقض تعهد و تکلیف ۳. وجود ضرر ۴. وجود رابطه بین نقض تعهد و ضرر. همان گونه که بیان شد این شرایط به عنوان یک قاعده عمومی در مسئولیت مدنی به معنای اعم از مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی صرف نظر از تفاوت‌های جزئی مطرح می‌شود. البته این قاعده عمومی ممکن است در شرایط استثنایی ملاحظات خاص را ایجاد کند (ره پیک، ۱۳۸۸: ۴۱). دکتر کاتوزیان اصولاً مسئولیت مدنی را ناشی از بی‌مبالاتی اشخاص می‌داند و سپس بیان می‌دارد مسئولیت مدنی گاه به منظور جبران ضرر نامشروع یا خطری که برای دیگران ایجاد شده است نیز به وجود می‌آید. لیکن، برای تحقق مسئولیت در همه حال وجود سه عنصر ضرورت دارد: ۱. وجود ضرر ۲. ارتکاب فعل زیان‌بار ۳. رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که وارد شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۷). در اصول اروپایی مسئولیت مدنی در ماده ۱۰۱ از فصل نخست از بخش نخست قاعده مبنایی تبیین شده است. مطابق این ماده شخص زمانی مسئول جبران خسارت قلمداد می‌گردد که خسارت وارد به دیگری مطابق با قانون به او نسبت داده شود. ماده فوق حکایت از این امر دارد که ارکان مسئولیت مدنی در اصول اروپایی مسئولیت مدنی نیز متشکل از دو رکن ۱. وجود ضرر ۲. قابلیت انتساب ضرر می‌باشد. اما نکته قابل تأمل در این خصوص این امر می‌باشد که نقض یک تعهد و یا تکلیف در اصول اروپایی مسئولیت مدنی جزو ارکان مسئولیت مدنی نمی‌باشد. دلیل مثبت این موضوع نیز ماده ۱۰۴ از فصل دوم از بخش دوم اصول اروپایی مسئولیت مدنی می‌باشد. در این ماده بیان شده است هزینه‌هایی که برای پیشگیری از ضرر محتمل‌الوقوع صرف می‌شود تا اندازه‌ای که متعارف باشد خسارات قابل جبران به حساب می‌آید. رفتاری که این ماده آن را نوعی خسارت محسوب می‌کند و قابل جبران می‌داند اساساً مستلزم نقض یک تعهد یا تکلیف نمی‌باشد. حال ممکن است این سؤال مطرح شود که اصول اروپایی مسئولیت مدنی چگونه رفتار افراد را تفکیک کرده و برخی رفتارها را مسئولیت‌آور می‌داند و برخی را خیر. این موضوع در تعریف خود مفهوم قابلیت انتساب نهفته است مطابق بند ۲ ماده ۱۰۱ از فصل نخست از بخش نخست انتساب خسارت به شخص از سه طریق احراز می‌گردد. ۱. رفتار توأم با تقصیر شخص سبب ورود خسارت شده باشد. ۲. فعالیت خطرناک غیر متعارف شخص سبب ورود خسارت شده باشد. ۳. معاونت شخص البته تنها در محدوده وظیفه قانونی سبب ورود خسارت شده باشد. بنابراین نقض یک تعهد و یا تکلیف که برخی از حقوق‌دانان آن را از ارکان مسئولیت مدنی در حقوق ایران می‌دانند در اصول اروپایی مسئولیت مدنی به نوعی در تعریف قابلیت انتساب تبیین شده است البته لازم به ذکر است که قابلیت انتساب ذکر شده در مطالب فوق متفاوت از مفاهیم سببیت در مسئولیت مدنی می‌باشد و مفاهیم

سببیت در فصل سوم اصول اروپایی مسئولیت مدنی به صورت جداگانه تشریح و بیان شده است.

۵-۱. ضرر

در قوانین ایران ضرر تعریف نشده اما تعاریف کم‌وبیش مشابهی از سوی اساتید حقوق ارائه شده است. بدون تردید یکی از ارکان مسئولیت مدنی وجود ضرر است برای تحقق هر مسئولیت مدنی، چه قهری و چه قراردادی وجود ضرر ضروری است، زیرا مسئولیت مدنی وسیله‌ای برای سودجویی نیست تا بدون تحقق ضرری آن را قابل تصور بدانیم. به همین دلیل ماده ۵۲۰ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹ صدور حکم خسارت را منوط به اثبات ضرر از سوی مدعی می‌داند. ماده فوق چنین مقرر می‌دارد در خصوص مطالبه خسارت وارده خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است، در غیر این صورت محکمه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد (کیانی، ۱۳۸۹: ۳۴). دکتر شهیدی ضرر و زیان را هر گونه کاهش در کمیت و کیفیت مال شخص زیان‌دیده می‌داند اعم از اینکه این کاهش در اموال عینی حاصل شده باشد یا منافع و یا در مثل حق اختراع و حق تألیف (شهیدی، ۱۳۸۳: ۶۸). نکته‌ای که در بیان مفهوم ضرر به نظر می‌رسد ویژگی عرفی بودن ضرر می‌باشد بدین شرح که در احراز مفهوم ضرر باید به عرف مراجعه نمود. ضررهایی که عرف فراتر از ضررهای متعارف لازمه زندگی اجتماعی می‌داند، ضرر به مفهوم حقوقی آن بوده و قابل جبران است. زیرا لازمه زندگی و فعالیت در اجتماع وارد آوردن ضررهایی به دیگران و تحمل خسارت‌های از جانب ایشان خواهد بود. به عنوان مثال برنده شدن در یک مزایده به معنای وارد نمودن ضرر به سایر شرکت‌کنندگان در مزایده است اما عرف این ضرر را به معنای حقوقی آن تعبیر نمی‌کند و قابل جبران نمی‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۷). در حقوق کامن‌لا نیز Damage به معنای ضرر یا صدمه‌ای به شخص یا اموال است که ناشی از غفلت می‌باشد (کیانی، ۱۳۸۹: ۲۴). بر خلاف حقوق ایران در اصول اروپایی مسئولیت مدنی مفهوم ضرر تعریف شده است. در تاریخ ۷ آوریل سال ۲۰۰۱ میلادی اعضای گروه تهیه‌کننده پیش‌نویس اصول اروپایی در وین به این توافق رسیدند که در تعریف ضرر توجه به منافع مورد حمایت قانون ضروری و غیرقابل اجتناب است و این موضوع در تبیین مبانی مسئولیت مدنی بسیار مهم می‌باشد. به همین دلیل در نشست ۳۱ و ۳۰ می سال ۲۰۰۲ در پیزا فصل دوم از بخش دوم مورد تأیید گروه قرار گرفت. در این اصول در ماده ۱۰۱ از فصل دوم از بخش اول زیان قابل جبران تعریف شده است. در این ماده چنین بیان شده: زیان مستلزم آسیب مادی یا غیرمادی به منفعتی است که تحت حمایت قانون قرار دارد. از لحاظ زبان‌شناسی می‌توان گفت که در بستر این ماده زیان یک مفهوم حقوقی و آسیب یک مفهوم طبیعی است. این تفاوت از نظر لغوی است و الا آسیب وارده به یک منفعت مورد حمایت

قانون همان ضرر است و این دو واژه با یکدیگر هم معنا هستند (میرشکاری، ۱۳۹۷: ۴۲). در واقع در این ماده ضرر به صورت کلی تعریف شده است. از این ماده این برداشت می‌شود که زیان قابل جبران مستلزم تغییر منفی در حقوق مورد حمایت شخص زیان دیده است. این تغییر منفی اعم خسارات مادی و غیرمادی است. خسارت مادی در مبحث دوم از فصل دهم از بخش ششم اصول اروپایی مسئولیت مدنی تعریف شده است. در بند ۱۰ ماده ۲۰۱ چنین بیان شده «خسارت مادی قابل جبران همان نقصان ثروت زیان دیده در اثر حادثه زیان بار است. این خسارت به طور کلی حتی الامکان به صورت شخصی تعیین می‌شود ولی ممکن است در مواردی که مناسب است به طریق نوعی تعیین گردد، مثلاً از طریق مراجعه به قیمت بازار.» خسارات غیرمادی نیز در مبحث سوم از فصل دهم از بخش ششم اصول اروپایی مسئولیت مدنی تعریف شده است. در ماده ۳۰۱ خسارت غیرمادی را مشتمل بر رنج و عذاب زیان دیده و نقص وارده بر سلامت روحی او می‌داند.

۵-۲. رفتار زیان بار

دومین رکن مسئولیت مدنی که در حقیقت رکن مادی آن می‌باشد رفتار زیان بار است. بدون وجود فعل زیان بار تحمیل مسئولیت بر شخص امکان ندارد (یزدانیان، ۱۳۷۹: ۱۰۱). در واقع آن فعل و عملی که با ضرر و زیان وارد شده رابطه مهم و معناداری دارد رفتار زیان بار می‌باشد که در حکم رکن مادی از ارکان مسئولیت مدنی است. در همه موارد که از کاری به دیگران زیان برسد، مسئولیت مدنی ایجاد نخواهد شد بلکه کار زیان بار بایستی از نظر عرف ناهنجار بوده و اخلاق عمومی ورود ضرر را ناصحیح بدانند. در قوانینی مانند قانون فرانسه مفهوم تقصیر را برای بیان این نامشروع بودن کافی دانسته‌اند چرا که ارتکاب تقصیر در دید قانون و یا عرف ناپسند و نکوهیده می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۷۱). به بیان ساده گاهی انسان مرتکب اقدامی می‌شود که نتیجه آن اضرار به غیر است بدون آنکه مسئولیتی در این خصوص داشته باشد. فی المثل فردی که در مقام اجرای حق و اعمال اختیارات قانونی یا دفاع مشروع و یا اضطرار زیانی به غیر وارد می‌آورد، همیشه و در تمام حالات مسئولیت مدنی نداشته و تحت شرایطی معاف از مسئولیت خواهد بود. بنابراین کار زیان بار بایستی از نظر اجتماع و عرف ناهنجار و غیرقابل تحمل باشد (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸: ۱۰۰). نکته دیگر اینکه با توجه به مصداق خاص و قاعده حاکم رفتار زیان بار ممکن است مثبت یا منفی باشد. مانند قاعده تسبیب و یا تصرف نامشروع در مال غیر که در آن‌ها فعل مثبت یا منفی می‌تواند منشأ مسئولیت قرار گیرد، همچون حرکت با سرعت غیرمجاز، ترک کمک به مصدوم، غصب مال غیر و امتناع از رد امانت (ره پیک، ۱۳۸۷: ۴۳). مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ قانون مدنی مثبت و منفی بودن رفتار زیان بار را ضمن عبارات تعدی و تفریط بیان می‌کنند و قانون مسئولیت مدنی عمد بی احتیاطی و غفلت قابل اغماض را از مصادیق فعل زیان بار

می‌داند. در ماده ۱۵۱ نیز «تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری» در ماده ۹۵۲ ق. م. «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد با متعارف برای حفظ مال غیر لازم است.» ماده ۹۵۳ ق. م. «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی». در مسئولیت قهری ناشی از فعل غیر، تعریف رفتار زیان‌بار مشابه تعریف آن در مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخص می‌باشد. رفتار زیان‌بار در اینجا ارتکاب فعلی است نامشروع که سبب خسارت می‌شود. گاه این فعل مثبت است و گاه منفی، مواد ۹۵۱، ۹۵۲ و ۹۵۳ ق. م. مثبت و منفی بودن فعل زیان‌بار را ضمن عبارات تعدی و تفریط بیان می‌کنند و قانون مسئولیت مدنی عمد بی‌احتیاطی و غفلت قابل اغماض را از مصادیق رفتار زیان‌بار می‌داند (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۱۸۹). در مورد رفتار زیان‌بار صغیر و مجنون نیز همین قضیه صدق می‌کند. ابتدا باید بتوانیم صغیر و مجنون را به واسطه رفتار زیان‌باری که مرتکب شده است مسئول بدانیم تا سپس بتوانیم مسئولیت فوق را بر سرپرست آن‌ها تحمیل نماییم. در اصول اروپایی مسئولیت مدنی به صراحت تعریفی از مفهوم رفتار زیان‌بار ارائه نشده است، لکن اولین ماده از این اصول یک قاعده مبنایی بیان می‌کند که به نوعی تبیین‌کننده رفتار زیان‌بار می‌باشد. در این ماده بیان شده شخصی که خسارت وارده به دیگری به موجب قانون به او نسبت داده می‌شود، مسئول جبران آن است. خسارت زمانی به شخصی نسبت داده می‌شود که الف) رفتار توأم با تقصیر او سبب آن شده باشد. ب) فعالیت خطرناک غیر متعارف او سبب آن شده باشد. ج) معاونت او البته تنها در محدوده وظیفه باعث آن شده باشد. بنظر می‌رسد با استفاده از مفاهیم ارائه شده برای قابلیت انتساب خسارت به شخص که مفهوم رفتار زیان‌بار از منظر اصول اروپایی مسئولیت مدنی قابل شناسایی باشد. واژه رفتار در این ماده اعم از فعل و ترک فعل می‌باشد.

۳-۵. رابطه سببیت

سومین رکن تحقق مسئولیت مدنی اعم از قراردادی و قهری وجود رابطه سببیت می‌باشد. (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۲۵۹) بدین معنی که باید بین دو عامل ضرر و فعل زیان‌بار رابطه سببیت وجود داشته باشد، یعنی می‌بایست ارتباط مستقیمی میان خطایی که مسئول مرتکب شده و ضرری که زیان‌دیده متحمل شده است، برقرار باشد. در حقوق انگلیس نیز زیان‌دیده زمانی موفق به دریافت خساراتش خواهد شد که بتواند ثابت کند خسارات ایجاد شده در اثر فعل زیان‌بار خوانده بوده است (هارپ وود، ۲۰۰۳: ۱۴۱-۱۵۸). البته صرف هر رابطه را نمی‌توان رکن سوم مسئولیت مدنی به حساب آورد، بلکه باید گفت خسارت مذکور باید ناشی از خطای مسئول باشد و تقصیر وی علت بروز خسارت باشد. در اینجا نقش عرف بیش از پیش آشکاری می‌گردد زیرا آن چه ملاک قرار می‌گیرد احراز رابطه عرفی میان تقصیر و ورود ضرر می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۴/۳۰۱). در حقوق

ایران نه تنها رابطه سببیت تعریف نشده بلکه قانون نیز صراحتاً لزوم آن را بیان نکرده است، با این حال لزوم آن را می‌توان از موادی از قانون مثل ماده ۶۶۶ قانون مدنی و همچنین ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۶ استنباط کرد (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۲۳۶). لازم به ذکر است در مورد مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر می‌بایست در رابطه با غیر تحقق پیدا کنند نه مسئول. در واقع این مسئول نیست که باید مرتکب رفتار زیان‌بار شده باشد و از این عمل او خسارتی به دیگری وارد آمده باشد، بلکه این غیر است که باید با رفتار زیان‌بار خود منجر به ورود خسارتی شده باشد به گونه‌ای که سه رکن تشکیل دهنده مسئولیت مدنی در مورد فعل وی صدق کند. در واقع رابطه سببیت در مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر شکل دیگری به خود می‌گیرد. در این نوع از مسئولیت احراز رابطه سببیت میان تقصیر مسئول و ورود ضرر ملاک نیست و آنچه مهم است احراز رابطه فوق میان ورود ضرر و فعل کسی است که مسئولیت اعمالش به گونه‌ای متوجه شخص مسئول است (جلیلوند، ۱۳۷۰: ۱۱۳). لازم به ذکر است به اعتقاد برخی از حقوق‌دانان رابطه سببیت هم از نظر مفهومی و هم از جهت مصداقی با ابهامات بسیاری همراه بوده و تعریف چندان روشنی از آن وجود ندارد و مصادیق سببیت فاقد ضابطه و ملاک دقیقی است و معمولاً درک عرفی معیار اصلی احراز آن‌هاست، هر چند نظریات حقوقی و مقررات قانونی در پی کاستن از این ایراد و ابهام می‌باشند (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۶۸). به عنوان مثال فصل ششم از قانون مجازات اسلامی در باب موجبات ضمان مواد ۴۹۲ الی ۵۳۷ مفاهیم و مصادیق متعددی در خصوص تسبیب و رابطه سببیت را بیان می‌کند که به منظور رعایت اختصار در بیان مطالب از توضیح آن‌ها خودداری می‌گردد. در اصول اروپایی مسئولیت مدنی سبب و شرایط آن در مبحث نخست از فصل سوم از بخش اول اصول بیان شده است، لکن در اولین ماده از مبحث سبب این چنین تعریف شده است: «فعالیت یا رفتاری که سبب ورود خسارت به زیان دیده می‌باشد که اگر انجام نمی‌شد خسارت ایجاد نمی‌شد». نکته حائز اهمیت این امر است که قاعده مبنایی در اصول اروپایی مسئولیت مدنی قابلیت انتساب می‌باشد که ماده اول از فصل اول از بخش اول بیان شده است.

۶. مبنای مسئولیت مدنی

این موضوع که دامنه مسئولیت اشخاص در برابر اعمال خویش تا کجا گسترده است و اینکه بر چه اساس و مبنایی مسئولیت مدنی برای افراد تعیین می‌شود، پرسشی قدیمی و در عین حال پراهمیت در حقوق مسئولیت مدنی بوده است. مبنای مسئولیت سرپرست صغیر در حقوق ایران و اصول اروپایی مسئولیت مدنی تا حدودی متفاوت از یکدیگر می‌باشد. در حقوق ایران مبنای مسئولیت سرپرست صغیر نظریه تقصیر و در اصول اروپایی مسئولیت مدنی نظریه فرض تقصیر می‌باشد. به

همین دلیل این دو مبنا را به صورت مختصر در مطالب ذیل تشریح می‌نماییم.

۱-۶. نظریه تقصیر

تقصیر از نظر لغوی دارای مفهوم کوتاهی و سستی کردن بوده و در اصطلاح حقوقی نیز دارای همان معنی می‌باشد (باریکلو، ۱۳۹۲: ۴۵). در حقوق جزا تقصیر به تبع کاربردهای مختلف تعاریف اصلاحی متفاوتی دارد (خرم و توجهی، ۱۴۰۳: ۳۲). در حقوق مسئولیت مدنی تعریف و تبیین مفهوم تقصیر از پایه‌های این علم می‌باشد، لذا مفهوم تقصیر از نگاه تعدادی از اساتید مطرح حقوق بیان می‌گردد. دکتر کاتوزیان تقصیر را تجاوز از رفتاری می‌داند که هر انسان متعارف در همان شرایط وقوع حادثه خواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۷۲). مرحوم دکتر کاتوزیان در باب امکان تبیین کلیه وقایع حقوقی بر مبنای نظریه تقصیر معتقد است امروزه نمی‌توان مبنای مسئولیت را تنها بر تقصیر استوار نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۸۵). دکتر درودیان با استفاده از مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی تقصیر را چنین تعریف نموده است: تقصیر عبارت است از انجام کار (تعدی) یا عدم انجام کاری (تفریط) که بر طبق مقررات کشور عرف یا قرارداد شخص می‌باید از آن بپرهیزد یا بدان مبادرت ورزد (درودیان، ۱۳۷۶: ۲۳). دکتر صفایی معتقدند: «تقصیر عبارت است از انجام عملی که شخص نمی‌بایست مرتکب شود (تعدی) یا ترک عملی که شخص می‌بایست انجام دهد (تفریط)» (صفایی، ۱۳۸۹: ۳۲). با توجه به تعاریف فوق می‌توان تقصیر را خروج از رفتار شخص متعارف در وضعیتی که حادث رخ می‌دهد دانست. تقصیر در اروپا یکی از شرایط اساسی مسئولیت مدنی می‌باشد. این امر ریشه در اعتقادات مسیحیت دارد. بر مبنای این اعتقاد افراد تنها مسئول خساراتی است که از تقصیر و رفتار خطاکارانه خود به دیگران وارد می‌کنند و خسارتی که ناشی از تقصیر فرد نباشد مسئولیتی ایجاد نخواهد کرد. در انگلیسی معادل تقصیر Fault است؛ ولی در متون تخصصی حقوق به ویژه در نظام کامن‌لا واژه‌های مختلف و مشهور دیگری نیز به چشم می‌خورد برخی از این واژه‌ها مانند Negligence از شهرت کافی برخوردار است. در نظام کامن‌لا واژه Negligence عنوان یکی از اعمال زیان‌بار است که تحت شرایطی برای مرتکب آن واجد مسئولیت است (قاسم زاده، ۱۳۹۹: ۱۲۳). برخی حقوق‌دانان معتقدند امروزه در قوانین کشورهای اروپایی و نیز حقوق عرفی، تحمیل مسئولیت بدون تقصیر استثنایی بر قاعده کلی است (کشاوسکی، ۲۰۰۹: ۱۰۸)، مطالعه نظام حقوقی اتریش و انگلیس مبین این امر است که زیان‌دیده از رفتار یک کودک برای مطالعه زیان خود می‌بایست تقصیر والدین و رابطه سببیت میان آن و ضرر را اثبات کند لذا نظام حقوقی اتریش و انگلیس بر نظریه تقصیر استوار هستند (میرشکاری، ۱۳۹۷: ۱۳۴). در حقوق ایران مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مسئولیت سرپرست صغیر مبتنی بر قاعده تقصیر می‌باشد. بررسی دیدگاه دکترین در زمینه انتساب تقصیر به صغیر مبین این موضوع است

دکترین در معیار تعریف تقصیر با یکدیگر اختلاف نظر دارند، لکن روی این موضوع اجماع وجود دارد که چنانچه رفتار صغیر مطابق با معیارهای متعارف باشد یا قوه قاهره مانع از انتساب زیان به صغیر گردد و یا عامل ایراد خسارت تقصیر خود زیان دیده بوده باشد نمی توان صغیر یا سرپرست را مسئول جبران خسارات دانست. بدیهی است قوه قاهره و تقصیر زیان دیده در هر حال و در تمامی موارد رافع مسئولیت یا باعث تخفیف آن می شود و منحصر به صغیر و مجنون نیست. مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر و مجنون از جمله پدر و مادر بر مبنای تقصیر آنان در نگهداری یا مواظبت استوار است. از این رو برخی استادان بر آن هستند که مسئولیت این اشخاص جز در موارد اتلاف از سوی صغیر ممیز علی الاصول مسئولیت ناشی از فعل غیر نیست؛ زیرا آنان در حقیقت به خاطر تقصیر، شخص خویش مسئول شناخته شده اند؛ ولی برخی دیگر با این نظر کاملاً موافق نیستند، زیرا تقصیر پدر و مادر سبب دور و غیر مستقیم خسارت است و این تقصیر با عمل صغیر است که باعث عطف توجه به آن تقصیر دور می شود (درودیان، ۱۳۷۶: ۱۵).

۶-۲. نظریه فرض تقصیر

یکی از عیوب نظریه تقصیر این است که گاه زیان دیده نمی تواند خطای کسی را که به او ضرر زده اثبات کند و در نتیجه خسارت جبران نشده باقی می ماند. برای رفع این عیب، قانون گذار در پاره ای امور، تقصیر عامل زیان را فرض قرار داده و زیان دیده را از اثبات تقصیر عامل ورود زیان بی نیاز می کند. بدین معنی که کسی که مدعی زیان است (زیان دیده) در مقام مدعی علیه قرار می گیرد و خواننده دعوی (عامل ورود زیان) باید ثابت کند که تقصیر نکرده است. این موضوع در عالم حقوق تحت عنوان نظریه فرض تقصیر مطرح و بحث می گردد. این نظریه نسبت به نظریه اصلی تقصیر تفاوت ماهوی ندارد، لیکن بار اثبات را تغییر داده و به نفع زیان دیده قدم برداشته است. با این توضیح که در برخی موارد در صورت ورود ضرر فرض آن است که فاعل، تقصیر کرده است و اصل بر مسئولیت وی می باشد و او است که در مقام دفاع می تواند عدم تقصیر خود را اثبات کرده و این فرض ابتدایی را از بین ببرد (رهپیک، ۱۳۸۷: ۳۸). در کشورهای مثل آلمان و سوئیس در صورت ورود خسارت از ناحیه صغیر تقصیر والدین مفروض است ولی آن ها یا سایر اشخاص مسئول نگهداری از صغار هستند، در صورت اثبات اعمال مراقبت متعارف و کوشش لازم در راستای نظارت و آموزش کودک، براءت حاصل می کنند. بیشتر نظام های حقوقی کشورهای اروپایی نیز بر همین مبنا استوار هستند، به همین دلیل اصول اروپایی مسئولیت مدنی نیز به منظور حمایت از زیان دیده و جبران ضرر نامبرده از نظریه سنتی تقصیر فاصله گرفته و نظریه فرض تقصیر برای مسئول دانستن سرپرست صغیر مورد پذیرش قرار داد است (میرشکاری، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

۷. آرای محاکم در باب مسئولیت مدنی سرپرست صغیر

یکی از مهم‌ترین مصادیق مسئولیت مدنی سرپرست صغیر در پرونده‌های قضایی مسئولیت مدنی والدین در قبال خسارات ناشی از بی احتیاطی صغیر در امر رانندگی با وصف فقدان گواهینامه رانندگی می‌باشد. بدین توضیح که والدین اتومبیل را در اختیار صغیر قرار می‌دهند و صغیر که فاقد گواهینامه راهنمایی و رانندگی می‌باشد، در اثر تصادف سبب ورود خسارت به دیگران می‌شود. در این موارد بیمه‌گر به استناد ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲ مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان‌دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به قائم‌مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی برای بازیافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است به استناد بند پ همین ماده مراجعه کند. برای مطالبه کمتر از یک میلیارد ریال دادگاه صلح و بیشتر از آن دادگاه حقوقی صالح است (کاویار و امینی، ۱۴۰۳: ۱۱۴). حال چنانچه تصرف و رانندگی اتومبیل توسط صغیر ناشی از تقصیر سرپرست در مواظب و نگهداری از صغیر باشد، موضوع مشمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی می‌باشد و در این موارد عموماً ادارات بیمه به طرفیت سرپرست اقدام به اقامه دعوی می‌نمایند. به عنوان مثال دادنامه ذیل با استفاده از سامانه تحلیل و نقد آرا قضایی در خصوص موضوع فوق شناسایی شده است. در دادنامه شماره ۱۴۰۳۱۲۳۹۰۰۰۴۳۸۷۱۳۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ صادره از شعبه ۳۸ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شیراز قاضی محترم با استناد به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی و ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری و نظریه مشورتی شماره ۲۸۷/۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۱۶ قرار دادن اتومبیل در اختیار صغیر را مصداق بارز تقصیر در مواظبت و نگهداری دانسته و از همین رو ولی قهری صغیر در مقابل بیمه محکوم به پرداخت مبلغ خسارت پرداختی از ناحیه بیمه به زیان‌دیده نموده است. دادنامه با موضوع مشابه تقریباً فراوان وجود دارد، لکن به جهت اختصار در بیان مطالب از درج آن‌ها خودداری می‌گردد. مصداق بعدی که وقوع آن محتمل است، خسارت ناشی از تحریق عمدی صغیر می‌باشد. به عنوان مثال در دادنامه شماره ۱۴۰۲۳۴۳۹۰۰۰۶۶۸۶۳۵۰ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۶ صادره از شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بندر انزلی موضوع دعوی از این قرار است که صغیر اقدام به روشن کردن آتش در کنار منزل خواهان می‌نماید سپس آتش به منزل خواهان سرایت می‌نماید و تمام منزل آتش می‌گیرد. پیرو طرح دعوی از ناحیه خواهان دادگاه ولی قهری صغیر را به استناد ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی و به جهت تقصیر در مواظب و نگهداری از صغیر محکوم به پرداخت خسارت در حق خواهان می‌نماید.

نتیجه

هدف اصلی از وضع مقررات مربوط به مسئولیت مدنی جبران ضرر زیان‌دیده می‌باشد. به عبارتی باید سعی بر آن باشد که هیچ ضرری جبران نشده باقی نماند، از همین رو در نظام‌های حقوقی مختلف بر خلاف مفاد قاعده‌ی وزر برخی موارد پیش‌بینی شده است که در آن برخی افراد در قبال افعال زیان‌بار اشخاص غیر، مسئول قلمداد می‌شوند. از جمله مهم‌ترین این موارد مسئولیت سرپرست صغیر در قبال افعال زیان‌بار صغیر می‌باشد. در حقوق ایران مسئولیت سرپرست مبتنی بر نظریه‌ی تقصیر می‌باشد، لکن اصول اروپایی مسئولیت مدنی با توجه به رویه‌ی غالب در نظام‌های حقوقی نظریه‌ی فرض تقصیر را مورد توجه و پذیرش قرار داده است. بنظر می‌رسد با توجه به هدف از وضع قوانین مسئولیت مدنی می‌بایست در نظام حقوقی ایران نیز به سمتی حرکت کرد که زیان‌دیده سهل‌تر بتواند زیان وارده به خود را جبران کند. برای تحقق این هدف می‌توان مبحث مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر را در قالب یک مبحث اختصاصی وارد قانون نمود و در این مبحث در خصوص مسئولیت مدنی سرپرست صغیر می‌توان چنین مقرر نمود: «هر شخص حقیقی یا حقوقی که سرپرستی از مجنون یا صغیر به موجب قانون یا قرارداد به عهده او است، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه‌ی مجنون یا صغیر است، مگر اینکه ثابت کند که در نگاهداری و مواظبت تقصیر نکرده و تمامی احتیاط‌های متعارف و مقتضی را به عمل آورده است. چنانچه سرپرست در نگاهداری و مواظبت تقصیر نکرده و تمامی احتیاط‌های متعارف و مقتضی را به عمل آورده باشد، جبران زیان از مال صغیر به عمل می‌آید». ماده فوق نسبت به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی چند مزیت دارد اولاً استفاده از واژگان هر شخص حقیقی یا حقوقی تمامی اشخاص را در بر می‌گیرد و شبهه‌ی اختصاص ماده به اشخاص حقیقی را بر طرف می‌کند. ثانیاً مسئولیت سرپرست بر مبنای نظریه‌ی فرض تقصیر تعریف شده است، لذا زیان‌دیده سهل‌تر می‌تواند به حقوق خود برسد. ثالثاً پر واضح است چنانچه سرپرست در نگاهداری و مواظبت تقصیر کرده باشد می‌بایست تاوان تقصیر خود را بپردازد و در این صورت عسرت و تنگ‌دستی مقصر دلیلی برای رجوع به اموال صغیر نیست چرا که در این فرض سرپرست سبب اقوی از مباشر است و در حقوق ایران عسرت و تنگ‌دستی سبب اقوی، دلیلی برای مراجعه به مباشر نمی‌باشد.

منابع

فارسی

- امامی، حسن. (۱۳۸۷). حقوق مدنی. جلد ۱، چاپ چهل و دوم، تهران: انتشارات اسلامیه.
- امامی، حسن. (۱۳۹۱). حقوق مدنی. جلد پنجم، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات اسلامیه.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید. (۱۳۷۸). حقوق تعهدات. جلد اول، تهران: نشر میزان.
- بابایی، ایرج. (۱۳۸۱). بررسی عنصر خطا در حقوق مسئولیت مدنی ایران. پژوهش حقوق و سیاست، سال سوم، شماره ۷.
- باریکلو، علیرضا. (۱۴۰۲). مسئولیت مدنی (ضمان قهری). چاپ یازدهم. تهران: انتشارات میزان.
- بادینی، حسن. (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوق. چاپ شانزدهم. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حسین‌آبادی، امیرحسین. (۱۳۸۵). بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی. مجله الهیات و حقوق، سال ششم، شماره ۲۰.
- حسینی‌نژاد، حسینعلی. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی (شرایط عمومی و موارد خاص)، چاپ سوم. تهران: مجد.
- خرم، سینا و ترحه‌چی، عبدالعلی. (۱۴۰۳). ارکان مفهومی تقصیر جزایی و آثار آن در حقوق کیفری ایران. فصلنامه دیدگاه حقوق قضائی، شماره ۱۰۸.
- درودیان، حسنعلی. (۱۳۸۷). مسئولیت ناشی از فعل اشخاصی که تحت مراقبت و مواظبت دیگری هستند (مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر یا مجنون). مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸.
- ره‌پیک، حسن. (۱۳۸۸). حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها. چاپ چهارم. تهران: انتشارات خرسندی.
- ژوردن، پاتریس. (۱۳۹۳). اصول مسئولیت مدنی. ترجمه: مجید ادیب، چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- شعاریان، ابراهیم و ترابی، ابراهیم. (۱۳۹۳). حقوق تعهدات: مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- شعاریان، ابراهیم و جباری، منصور. (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی پلیس. جلد اول. تهران: انتشارات فروش.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۶). آثار قراردادها و تعهدات، جلد سوم (مسئولیت مدنی). چاپ دوم. تهران: مجد.
- صادقی، مریم. (۱۳۸۳). بررسی مسأله حضانت اطفال در حقوق مدنی ایران و فرانسه. فصلنامه فقه و حقوق خانواده، سال نهم، شماره ۳۴ و ۳۵.
- صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله. (۱۴۰۳). الزامات خارج از قرارداد، چاپ نوزدهم. تهران: سمت.
- صفایی، سیدحسین. (۱۳۷۵). حقوق مدنی و حقوق تطبیقی. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- صفایی، سیدحسین و قاسم‌زاده، سیدمرتضی. (۱۳۹۰). حقوق مدنی: اشخاص و محجورین. چاپ هفدهم. تهران: انتشارات سمت.
- صفایی، سیدحسین. (۱۳۸۴). دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد اول (اشخاص و اموال). چاپ چهارم. تهران: انتشارات میزان.
- صفایی، سیدحسین و آبین، علیرضا. (۱۴۰۱). مسئولیت مدنی محجورین. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عباسی‌لو، بختیار. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.

- عمید، حسن. (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی عمید. جلد دوم، چاپ بیست و یکم. تهران: انتشارات راه رشد.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی؛ رهپیک، حسن و کیایی، عبدالله. (۱۳۸۴). تفسیر قانون مدنی. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی. (۱۳۹۹). مبانی مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ سی و دوم. تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۴۰۲). الزامات خارج از قرارداد: ضمان قهری. جلد اول، چاپ پنجم. تهران: گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها. جلد چهارم، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۵). حقوق مدنی، خانواده. جلد دوم، چاپ ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی. چاپ ۱۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاویار، حسین و امینی، مهدی. (۱۴۰۳). صلاحیت دادگاه صلح در قانون شورای حل اختلاف. فصلنامه دیدگاه حقوق قضائی، شماره ۱۰۶.
- کیانی، زینب. (۱۳۸۹). مبانی و قواعد مشترک مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- لوراسا، میشل. (۱۳۷۵). مسئولیت مدنی. ترجمه محمد اشتری، تهران: انتشارات حقوقدانان.
- مرادزاده رحمت‌آبادی، حسن. (۱۳۸۷). معلولین در حقوق مسئولیت مدنی. دانشگاه تهران، دانشکده حقوق.
- معین، محمد. (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی. چاپ ۲۷، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرشکاری، عباس. (۱۳۹۷). اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی. چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- یزدانپان، علیرضا. (۱۳۹۰). قلمرو مسئولیت مدنی. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- یزدانپان، علیرضا. (۱۴۰۰). قواعد عمومی مسئولیت مدنی. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

غیرفارسی

- Alpa, Guido. (2018). General remarks on civil liability in the European context. *The Italian Law Journal*, 4(1), 47–64.
- Barker, David., & Padfield, Colin. (2000). *Law made simple* (1st ed.). Iran Dadgostar Publishing First Edition.
- Borghetti, Jean-Sébastien, & Whittaker, Simon. (2020). French civil liability in comparative perspective
- Cengage, Gale. (2003). *Encyclopedia of everyday law: Parent liability for child's act*. In eNotes.
- Carbonnier, Jean. (2002). *Droit civil: Tome 2 – La famille, l'enfant, le couple*. Presses Universitaires de France.
- Dan, Mimoun. (2024). Responsabilité des parents: L'autorité parentale prévaut désormais sur la cohabitation. *Actu Juridique*.
- Deakin, Sarah, Johnston, Angus, & Markesinis, Basil S. (2019). *Tort law* (8th ed.). Oxford University Press.
- Díaz, Marta Pantaleón. (2018). Children's liability in negligence. *Journal of European Tort Law*.
- Ferreira, Nuno. (2011). The harmonisation of private law in Europe and children's tort liability: A case of fundamental and children's rights mainstreaming.

- International Journal of Children's Rights.
- Giliker, Paula. (2016). Vicarious liability in the UK Supreme Court. UK Supreme Court Yearbook.
 - Giliker, Paula. (2018). Comparative law and legal culture: Placing vicarious liability in comparative perspective. *The Chinese Journal of Comparative Law*.
 - Graham, Patrick K. (2000). Parental responsibility laws: Let the punishment fit the crime. *Loyola of Los Angeles Law Review*.
 - Hale, Kenneth. (2013). *Are parents liable for the acts of their children?* Cambridge property and casualty.
 - Hall, Margaret. (2006). The liability of public authorities for the abuse of children in institutional care: Common law developments in Canada and the United Kingdom. *International Journal of Law, Policy and the Family*.
 - Harpwood, Vivienne. (2003). *Modern tort law* (5th ed.). Great Britain: Cavendish Publishing.
 - Herring, Jonathan. (2023). *Family law*. Oxford University Press.
 - Hodgson, John, & Lewthwaite, John. (2004). *Tort law*. New York: Oxford University Press.
 - Kochashvili, Ketevan. (2009). Fault as the condition of civil responsibility. *Law Journal*.
 - Koukoulis, Anastasios-Nikolaos, & Kakos, Nikolaos. (2022). *Parental responsibility affairs*.
 - Malaurie, Philippe, Aynès, Laurent, & Crocq, Pierre. (2024). *Droit des personnes et de la famille*.
 - McCurdy, William E. (2010). Torts between Persons in Domestic Relation. *Harvard Law Review*.
 - Nolan, Donal. (2020). Reining in vicarious liability. *Industrial Law Journal*, 49(4), 609–625.
 - Pearlman, Alan. (2007). Child custody issues. Chicago Family Law Blog.
 - Sandberg, Kirsten. (2021). Grandparents' and grandchildren's right to contact under the European Convention on Human Rights. *Family & Law*.
 - Standley, Kate. (2001). *Family law* (3rd ed.). New York: Palgrave.
 - Tahiri, Burim. (2016). "Parents' Liability for the Damage Caused by the Child." *European Scientific Journal*.
 - Tofaris, Stelios, (2016) Vicarious Liability and Non-Delegable Duty for Child Abuse in Foster Care: A Step Too Far? *The Modern Law Review*.
 - van Dam, Cees. (2013). *European tort law* Oxford University Press.
 - Ward haugh, Bruce. (2017). Punishing parents for the sins of their child: Extending EU competition liability in groups and to subcontractors. *Journal of Antitrust Enforcement*.